

## فرهنگ واژگان مالی

دکتر حسین عبده تبریزی<sup>۱</sup>  
پرویز صداقت<sup>۲</sup>

annual percentage rate (APR)

درصد نرخ سالانه

هزینه بدهی که به شکل درصد سالانه ساده بیان شده است.

annual report

گزارش سالانه

گزارشی که هر سال به تمامی سهامداران شرکت ارائه می‌شود و شامل مواردی مانند ترازنامه، وضعیت مالی، رخدادهای سال گذشته و پیش‌بینی‌هایی برای سال آتی است. (همچنین، ر.ک. به مدخل 10-k report)

annuitant

دریافت‌کننده اقساط مساوی

دریافت‌کننده مبالغ مربوط به قرارداد اقساط مساوی

۱- عضو هیأت علمی دانشگاه امام صادق (ع)

۲- کارشناس و محقق در مسائل مالی

**annuitize**

تقسیم مساوی - قسط بندی کردن

توزیع ادواری اقساط مساوی، تقسیم بدهی در طول زمان با اقساط مساوی

**annuity**

بیمه نامه با اقساط مساوی

قرارداد بین شرکت بیمه و یک فرد که بر طبق آن، شخص در طول حیاتش به ازای پرداخت یکجا یا ادواری به شرکت بیمه، درآمدی را به طور مستمر دریافت خواهد کرد.

**annuity beneficiary**

ذی نفع اقساط مساوی

شخصی که پس از مرگ دریافت کننده اقساط مساوی، عواید بیمه نامه وی را دریافت می کند.

**annuity compound amount**

ارزش مرکب اقساط مساوی

منظور آن است که اقساط مساوی پرداختی در طول دوره های معین وقتی انباشته می شود، ارزش مرکبی را تشکیل می دهد. البته، بهره هر قسط در پایان دوره به اصل آن اضافه شده و با قسط جدید جمع می شود، و مبنای محاسبه بهره دوره بعد قرار می گیرد.

**annuity owner**

مالک بیمه نامه با اقساط مساوی

مالک بیمه نامه با اقساط مساوی که می تواند در مورد دریافت کننده اقساط و ذی نفع یا وارث آن تصمیم گیری کند.

**annuity present value**

ارزش فعلی اقساط مساوی

منظور ارزش فعلی یک رشته اقساط مساوی است که در آینده پرداخت می شود.

**annuity providing a future amount**

اقساط مساوی منجر به مبلغی در آینده

منظور اقساطی است که به طور مساوی پرداخت می شود، و در پایان دوره، پرداخت کننده مبلغی کلی را یکجا دریافت می کند.

**annuity repaying a present amount** اقساط مساوی برای بازیافت مبلغی در حال حاضر  
 منظور اقساطی است که در آینده به طور مساوی در قبال دریافت مبلغی یکجا در زمان  
 حاضر باید پرداخت شود، تا بدهی تسویه شود.

**annuity unit** واحد اقساط مساوی  
 واحد حسابداری مورد استفاده در تعیین مقدار هر بار پرداخت به دریافت کننده اقساط  
 مساوی در طی دوره بازپرداخت.

**anticipated holding period** دوره نگهداری پیش‌بینی شده  
 دوره زمانی که انتظار می‌رود شرکت داراییها را تا هنگام فروش نگهداری کند.

**anticipation** پرداخت پیش از سررسید  
 پرداخت بدهی پیش از موعد سررسید آن

**AON: (all-or-none order)** سفارش همه یا هیچ  
 ر.ک. به مدخل مربوطه

**appreciation** افزایش ارزش  
 افزایش ارزش یک دارایی

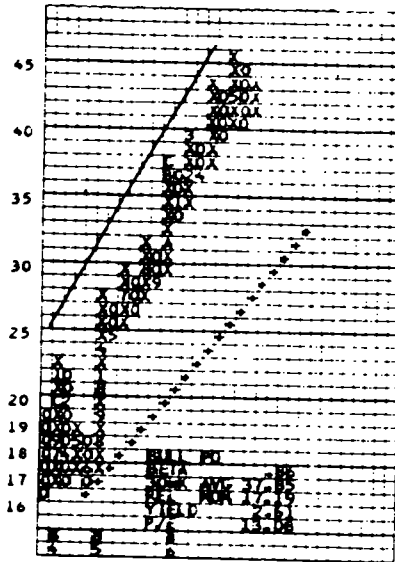
**approved list** فهرست مجاز  
 فهرست سرمایه‌گذارهایی که طبق رأی هیأت مدیره یا هیأت امنای شرکت مجاز شمرده  
 شده است. این فهرست معمولاً در صندوقهای سرمایه‌گذاری مشترک یا حسابهای امانی تهیه  
 می‌شود.

- arbitrage** آربیتراژ  
خرید و فروش همزمان کالا یا اوراق بهادار در بورسهای مربوطه مختلف برای کسب سود ناشی از تفاوت قیمت.
- arbitration** حکم - داور  
گروهی متشکل از ۳ تا ۵ نفر (در امریکا) برای حل اختلاف میان بنگاه‌های کارگزاری یا میان بنگاه کارگزاری و مشتری. تعداد افراد گروه در کشورهای مختلف متفاوت است.
- arrearage** پس‌الت، معوق  
مقدار سود سهام ممتاز انباشته که سررسید شده اما پرداخت نشده است.
- arrears** بدهیهای معوق  
بدهی قطعی یا احتمالی که سررسید شده اما پرداخت نشده است.
- articles of incorporation** اساسنامه  
سندی است که شرکتها برای تبدیل به یک شخصیت حقوقی قانونی باید ارائه کنند. این سند اطلاعاتی همچون نام مدیران، تعداد سهام مجاز و سایر اطلاعات مربوط را ارائه می‌کند و به آن "charter" نیز می‌گویند.
- asked price** قیمت درخواستی  
قیمت جاری فروش یک سند بهادار. در مورد صندوقهای سرمایه‌گذاری مشترک، این قیمت شامل هر نوع هزینه فروش می‌شود که بر خالص ارزش داراییها نیز افزوده می‌شود. اصطلاح قیمت درخواستی به قیمت پیشنهادی (offering price) هم مصطلح است. همچنین، ر.ک. به مدخل bid price

## ascending tops

فرازهای برتر

نموداری از قیمت سهام که نشان می‌دهد نقاط اوج کنونی نمودار به طور دائمی بالاتر از نقاط اوج قبلی قرار دارد، و قیمت‌ها در وضعیت رشد عمومی است. (به نمودار رجوع کنید)



نمودار فرازهای برتر

## as of

از تاریخ

معامله‌ای که قبل از تاریخ گزارش آن معامله انجام شده است و تاریخ تسویه آن از تاریخ اولیه (از تاریخ) انجام معامله استخراج می‌شود.

## asset

دارایی

چیزی که در تملک آید، و دارای ارزش اقتصادی باشد. روی دیگر سکه داراییها، بدهیها و سرمایه است؛ یعنی آنچه در شرکت وجود دارد و دارای ارزش است، یا متعلق به مالکان و سهامداران شرکت است که «سرمایه» نامند، و یا به اشخاص ثالث متعلق است که «بدهی» نامند.

- asset coverage** پوشش داراییها  
حجمی از بدهیهای شرکت که توسط داراییها پوشش داده می‌شود.
- asset-liability management** مدیریت دارایی - بدهی  
یک استراتژی مالی که برای رعایت نسبت خاصی بین داراییها و بدهیها اتخاذ می‌شود.
- asset- management account** حساب مدیریت دارایی  
حساب مشتری که هم از خدمات بانکی و هم از خدمات کارگزاری استفاده می‌کند؛ خدمات حساب جاری، خرید اعتباری اوراق بهادار و بدهکار و بستانکار کارت اعتباری وی از طریق این حساب انجام می‌شود.
- asset play** خرید مرده  
خرید سهمی که قیمت جاری آن کمتر از ارزش دفتری آن است.
- assigned** منتقل شده  
واگذاری دارایی از یک شخص حقیقی یا حقوقی به شخص دیگر. (مثال: وقتی کسی ورقه سهامش را می‌فروشد، اوراق تحویلی به مالک جدید منتقل می‌شود.)
- assignee** منتقل الیه  
شخص حقوقی یا حقیقی که دارایی به وی واگذار شده است.
- assignment** سند انتقال  
سند ضمیمه گواهی سهام یا اوراق قرضه را گویند. در هنگام انتقال مالکیت، فردی که گواهی به نام وی است، و در مورد شرکتها، فردی که امضای مجاز شرکت را دارد، این سند را امضاء می‌کند. (همچنین، ر. ک. به مدخلهای bond power, stock power).

**assimilation**

جذب کامل

در عرضه اولیه سهام، اگر پذیرهنویسی کل سهام را به عامه مردم بفروشد، گفته می‌شود که آن سهام کاملاً جذب شده است.

**associate member**

عضو وابسته

فردی که حق تقدم خرید سهام را از بورس اوراق بهادار نیویورک خریداری کرده است تا از طریق یکی از اعضای بورس آن حق را اعمال کرده، و سهام خریداری کند، عضو وابسته نامیده می‌شود.

**at a premium**

با سود

زمانی که قیمت معامله بیش از قیمت خریداری شده باشد.

**at par**

به بهای اسمی

وقتی بهای جاری یک سند قرضه درست برابر با ارزش اسمی آن باشد، رابطه بین این قیمت و ارزش اسمی به درصد بیان می‌شود. (مثال: اگر اعلام شود که سند قرضه ۵۰۰۰ دلاری ۱۰۰ درصد است، یعنی قیمت جاری آن در بازار ۵۰۰۰ دلار است). همچنین، ر. ک. به مدخلهای (above par, below par).

**at risk**

در معرض خطر

مبلغی از سرمایه‌گذاری (برحسب واحد پولی) که در معرض خطر است. منظور از خطر در اینجا خطر تجاری سرمایه‌گذاری است.

**at risk rules**

بندهای مربوط به زیان

طبق قانون مالیاتی ایالات متحده، پاره‌ای از ارقام زیان صرفاً زمانی بستانکاری مالیاتی دارند که در قبال آنها مبالغی نقداً در شرکت سرمایه‌گذاری شود.

**at sight bills** بروات دیداری

براتی که بلافاصله پس از ارائه آن، وجه آن را می توان نقداً دریافت کرد.

**attached account** حساب مسدود

وقتی حسابی توقیف شده و صاحب آن حق برداشت از آن را نداشته باشد.

**attachment** حکم توقیف، حکم ضبط

حکمی که معمولاً در مورد داراییها و اموال متهم در دادگاه صادر می شود.

**attestation** تصدیق امضا

تأیید امضای شخص توسط مراجع ذیصلاح.

**at the close** در پایان روز

سفارش برای سهام، کالاهای اساسی، یا حق خرید و فروش که در پایان روز معاملاتی بورس احتمالاً انجام می شود. البته، تضمینی وجود ندارد که معامله در پایان روز قطعاً انجام شود.

**at the market** به قیمت بازار

سفارش برای سهام در بورس که به کارگزار اجازه می دهد به بهترین قیمت موجود در بازار بلافاصله خرید کند.

**at the money** به قیمت حق شرط

حق خرید یا فروشی که با توجه به قیمت بازار اوراق بهادار مربوطه، به قیمت خودش می ارزد. مثلاً اگر حق شرط (option price) خرید یک دلار به قیمت ۲۵۰۰ ریال در زمانی معین برابر با ۱۰۰ ریال باشد، و دلار در حال حاضر در بازار ۲۶۰۰ ریال معامله شود، چون



۲۵۰۰-۲۶۰۰ برابر همان ۱۰۰ ریال می‌شود، می‌گویند دلار به قیمت حق شرط معامله می‌شود. همین مثال را در مورد سهام یا اوراق قرضه می‌توان مطرح کرد.

به قیمت شروع بازار **at the opening**

سفارش برای سهام، کالاهای اساسی، یا حق خرید و فروش که در آغاز روز معاملاتی بورس باید انجام شود، و اگر نتوان آن را انجام داد، به طور خودکار باطل است.

الگوی مطلوب **attractive model**

بدره یا سرمایه‌گذاری که از نظر مالی جذاب و قابل قبول باشد. این ترکیب از سهام و یا این سرمایه‌گذاری می‌تواند الگوی سایرین قرار گیرد.